

تأثیر قیام مزدک در زندگی دهقانان

برای تهیه مطالب این مقاله از منابع زیر استفاده شده است:

- ۱ - مجله «بیک تاریخ قدیم» چاپ شوروی - مقاله پیکو و اسکاباراچ به «رفرم مالیاتی خسرو انوشیروان»
- ۲ - ایران قدیم تألیف حسین پیرنیا.
- ۳ - شاهنامه فردوسی
- ۴ - تاریخ طبری
- ۵ - کتاب ایران ویزانس در آستانه قرون ۶ - ۷ میلادی . تألیف ن. و. پیکو و اسکابارا از انتشارات آکادمی علوم شوروی.

در پایان قرن پنجم و آغاز قرن ششم میلادی وضع اقتصادی مالکین بزرگ و دهقانان در دو کشور بزرگ ایران و ییزانس دوچار آشفتگی گردید تضاد اجتماعی شدت گرفت و مبارزه طبقاتی بصورت طغیانهای بزرگ و کوچک متظاهر گردید .

در نواحی روم شرقی و بین‌النهرین همسایان حقیقی بروز کرد مثلاً در سال ۵۰۵ و ۵۰۶ در شهر « اوسه » شورش بزرگی صورت گرفت و در ایران نیز طبقات استعمار شونده ، مردم بی چیز و متوسط الحال تحت قیادت مزدک قیام کردند .

با اینکه نهضت مزدکیان بطرز وحشیانه ای سرکوب گردید و مغ ها و متمکنین بساط غارتگرانه خود را دوباره گسترده و بقول فردوسی :

بزرگان شدند این از خواسته
زن و زاده و کنج آراسته
با اینکه عوامل ارتجاهی توانستند موقیت خود را حفظ کنند، معذک جنبش مزدک در اوضاع اجتماعی ایران تأثیر عمیق بخشید و یک سلسله رفورمهای سیاسی و اجتماعی بوجود آورد . خسرو اول با آنطوری که مورخین قدیم اورامینامند

خسرو انوشیروان سیاست پدر خود قباد را تعقیب کرد اما اگر قباد برای کاستن قدرت نجبا و اشراف از مزدک استفاده جست انوشیروان در اینباره طریق دیگری پیش گرفت : او در همین حال که با سرکومی نهضت مزدکیان نظر موافق طبقات بالای اجتماع را نسبت بخود جلب کرد با استفاده از وضعی که بوجود آمده بود در راه ایجاد قدرت مرکزی و کاستن نفوذ اشراف که تا دوره سلطنت قباد نفوذ زیادی در دستگاه حکومتی داشتند قدمهای مؤثری برداشت . او شخصاً مردی مقتدر و مستبد بود روش سبانه او نسبت بزدکیان و قتل‌ها، بیش از سه هزار نفر از پیروان مزدک باعث گردید که آن کسانی که نهضت مزدک منافع آنان را بخطر انداخته بود دور او جمع کردند و در شخص او ملجاء و تکیه گاهی برای خود بیابند . مغ ها ، اشراف ، تجار و سرکردگان سپاه دور او حلقه زدند

تشبثات این طبقات برای بازیافتن قدرت سابق خود بجای نرسید . مزدک کسم تکان شدید بدی با اساس اجتماعی ایسران داد و هلت اصلی تغییرات زیادی شد که در ساختمان دولتی ساسانیان بوجود آمد و رفورم -

های نظامی و مالیاتی انوشیروان از آنجمله است. با آنکه دشمنان مزدکیسم بر این نهضت چیره شدند با اینکه مورخین مفروض از نظر منافع طبقاتی خود تهمت های ناروا می باین جنبش وارد ساخته و آنرا پس از از سرکوبی بکلی خاموش شده و خانه یافته اعلان کردند، معینا باید خاطر نشان کنیم که بعضی از فرورمهایی که در دستگاه دولتی صورت گرفت بی شك حاصل نتیجه جنبش مزدکیان بود. این جنبش تا حدود زیادی از قدرت مفاکاست در ایران تا قرن ششم موبد موبدان مقام اول را در دست داشت پس از فرم قباد و انوشیروان این مقام از دست او خارج شد. نفوذ روحانیون زردشتی مخصوصاً بعد از مزدکیسم سخت متزلزل میشود و بهواذات روحانیون بزرگان (•) نیز نفوذ و قدرت خود را از دست میدهند وضع خانواده های اصیل قدیمی و موقعیت طبقاتی آنان از بین میرود و سنتهای قدیم پایان میپذیرد.

درست است که رژیم فتودالسیسم و اصولاً سرواژ و برده داری حتی قرنهای پس از آن باقی میماند اما سدهای طبقاتی و انحصار مقامات و مناصب شکسته میشود و بخصوص طبقات متوسط ملت امتیازات تازه ای بدست می آورند.

قدرت اشراف و بزرگان میکاست از طبقات متوسط الحال آن خانواده های اصیلی را که مزاحم قدرت او نبودند بار دیگر احیا میکند و باین ترتیب يك طبقه جدیدی که تحت تأثیر و نفوذ مستقیم شاه بود جانشین طبقات متنفذ قدیم گردید. خسرو افراد این طبقه جدید را واداری کند که در دربار بمانند و مقامات جدیدی را بآنان واگذار میکند بدین ترتیب با ارجاع مقامات حساس باین افراد هلا بطبقه متوسط الحال دهقانان تکیه میکند. پس یکی دیگر از نتایج جنبش مزدک پیروزی طبقه دهقانان میانه حال بود و پیروزی این طبقه نشان میدهد که نهضت مزدکی چه ارتباط ناگسنی بانگیرو تبدیل نیروهای اجتماعی و حکومتی داشت زیرا بعد از این نهضت بود که نفوذ روحانیون کاسته شد و قشر تازه ای تجلی نمود که بیش از پیش بقدرت حکومت نزدیک میشد و این اوضاع بود که دولت را در مقابل مسائل تازه ای قرارداد قسمتی از این مسائل در دوره قباد تا حدودی مورد مطالعه قرار گرفت و سپس در زمان خسرو اول و پس از او در دوره هرمز فرمهایی وقوع یافت. در اولین مرحله فرم شامل ارتش شد که بنا بگفته مارکس مضارح آن از غارت سایر ملل تأمین میشد.

سپاهیان ایران از دست هائی ترکیب مییافت که افراد آن وابسته، و زیر نظر بزرگان بودند. خسرو انوشیروان سعی داشت سپاهی بوجود آورد که مستقیماً تحت دستور او باشد لذا بزرگان میانه

- (•) بزرگان - این عنوان شامل اشخاصی بود که متصدی امور مهم مملکتی بودند. صاحبان مشاغل مهم اینها بودند:
- ا - بزرگ فرماندار یعنی وزیر اعظم ب - رئیس کل روحانیون (موبدان موبد) - ج - سردیر شاه - د - سپهسالار (ایران سپهبد) - ه - رئیس طبقه بزرگان - و - رئیس طبقه تجار و اصناف

نقل از تاریخ ایران قدیم - تألیف حسین پیرنیا

حال را مسلح میکند و به آنان اسب و اسلحه میدهد

همچنین در دوره انوشیروان رفرم قطعی در تقسیمات مملکتی صورت میگیرد زیرا گرچه در دوره قباد در تقسیمات کشور تغییر و تبدیلی بعمل آمده بود و مملکت به ۴ استان تقسیم شد معذک مرزبانان که بکنوع شاهان محلی بودند همچنان از امتیازات بیحد خود برخوردار بودند اما انوشیروان با انتخاب چهار سپهبد که کلیه امور چهار استان اعم از لشگری یا کشوری را در دست آنان گذاشت و بدینوسیله از قدرت های محلی کاست، تمرکزی در امور کشور ایجاد نمود. عملی کردن چنین رفرمی در امور اداری و نظامی کشور فقط با ایجاد یک رفرم مالیاتی ممکن بود صورت عمل گیرد.

برای نگهداری ارتشی که زیر نفوذ اشراف و نجبا نبود لازم مینمود که خزانه دولت همیشه پر باشد تا بتواند احتیاجات آنرا در همه حال هم در زمان صلح و هم در صورت بروز جنگ تأمین سازد.

سابقاً اشراف و بزرگان پادشاهانی که مغارج آنرا خود از راه غارت سایر ملل تأمین میکردند سپاه شاهی را تشکیل میدادند معلوم بود که چنین روشی نسبی توانست تحت نفوذ آنان نباشد. اما رفرم اخیر گرچه سپاه را از زیر نفوذ آنان خارج ساخته و تحت اوامر مستقیم شاه قرارداد در هوش باعث گردید که بسک سلسله مالیاتهای جدید بر مردم تحمیل گردد و بگفته مارکس: «اقدامات لازم برای تهیه مقدمات غارت ملت خود» بجای سایر ملل فراهم میشد» همین احتیاج بر فرم سبب گردید که سیستم جدید جانشین روش قدیم گردد.

مقدمات تغییر سیستم مالیاتی ابتداء

توسط قباد تهیه شد ولی اقدامات عملی آن در عهد خسرو اول صورت گرفت

اطلاعات درباره رفرم نزد چندتن از مورخین و بیش از همه نزد طبری دیده میشود. باید در نظر داشت که همین اطلاعات طبری هم از منابع دیگری اخذ شده و روی هم رفته زیاد روشن نیست لذا میشود بفاد آن اطمینان کرد اما آنچه مسلم است اینست که در دوره قباد که مردم ایران با فقر و مسکنت شدیدی روبرو شدند فقط سالی هم بار مصائب را بیشتر ساخت. مردم بناچار گروه گروه معس کار خویش را ترک میگفتند و حتی مقررات فتوالمیسم که بر زرگر را وابسته بزمین کرده بود نتوانست آنها را در محل خود نگهدارد و سرانجام عدم رضایت عمومی بصورت جنبش مزدک تجلی نمود بطوریکه حتی شاه مجبور گردید دستور دهد که دهقانان محسور و تروتنند و استنثار کردار مجازات کنند.

پس از جنبش مزدکیسم بود که حکومت مجبور گردید به این مسئله توجه کند تا قبل از این مالیاتی که از مردم اخذ میشد عبارت بود از: خراج یا مالیات ارضی و از کزیت یا مالیات سزانه که در دوره اسلامی جزیه میگفتند.

خراج برای هر بلوک نسبت به حاصلخیزی آن معین شده بود و هر محل بسته بسال خوب یا بد یا نظر بسافت آن از شهر از سدس تاثلث محصول را میداد.

زنها و بچه ها و پیر مردان از مالیات معاف بودند. سرانه را اشخاصی میدادند که علاقه ملکی نداشتند که شامل یهودیها و مسیحیان نیز میشد. چون این مالیات کزاف بود و از جهت دیگر اجحاف و تمدی زیادی از طرف مأمورین دولتی میشد تا مأمور دولت مقدار مالیاتی را

که میبایست زارع یا مالک بدهد معلوم
نمیکرد نمیتوانستند محصول را بردارند
بطوری که مشهور است وقتی قباد از معلی
عبور میکرد طفلی را دید که میخواست
سببی از درخت بچیند و پیرزنی مانع او
شد قباد علت پرسید پیرزن جواب داد تا
مأمور دولت مقدار محصول را نشورد و
میزان مالیات آنرا تعیین نکند ماحق نداریم
بمحصول دست بزنیم و همین قوانین ضالمانه
بود که مردم را بظغیان و ادا داشت و حکومت
را بفکر رفرم انداخت

قباد تصمیم گرفت ترتیب جدیدی برای
مالیاتها بدهد و انوشیروان آنرا با تمام
رسانید.

اما معلوم است تصمیماتی که افسراد
بالای اجتماع بگیرند نمیتواند در وضع
دروغ مردم بهبود ایجاد کند و حول منافع
همان افراد دور خواهد زد.

اگر قبلاً مالیات را بر مبنای محصولات
طبیعی اخذ میکردند در دوره خسرو اول
بنا بدستور او نسبت بساحت اراضی اخذ
میشد در این مورد اراضی حاصلخیز آباد را
مساحی کرد.

«جریب» را که تقریباً معادل دو هزار
و چهار صد متر مربع کنونی بود مبنای مالیات
اراضی قرار دادند.

یعنی از هر جریب مقدار معینی مالیات
مطالبه میشد میگویند خسرو اول دستور
داد تا مردم جمع شوند تا او سیستم جدید
مالیاتی را بآنها ابلاغ کند.

البته روشن نیست که آنچه قشراهائی
دهوت شد اما میشود حدس زد که این
مدهوین غیر از مالکین بزرگ و میانه
حال و بعضی مقامات دولتی نبوده اند.
انوشیروان خطاب به حاضرین میگوید این
مالیات بر اراضی حاصلخیزی تعلق میگیرد
که آنرا بر حسب جریب اندازه گیری کرده

اند و نیز تعداد درختهای خرما و زیتون
هم سرشماری و بر حسب تعداد درخت مالیات
گرفته میشود از این راه بر عایدات خزانه
اضافه میشود زیرا خزانه احتیاج باندوخته
دارد تا در صورت بروز جنگ بتوانیم
احتیاجات خود را رفع کنیم و مجبور نشویم
مالیاتهای جدیدی را تحمیل کنیم

یکی از حاضرین میگوید: چون
شرایط در تغییر است لذا میزان اخذ
مالیات نباید بطور ثابت باقی بماند زیرا
ممکن است خشکسالی روی دهد و از
چشمه ها آب جاری نشود و درختان مو
انگور ندهند اما کسی باین حرفها گوش نداد
و گوینده تنبیه شد.

ولی زندگی بخودی خود این سیستم
را محکوم کرد بطوریکه خسرو اول
مجبور شد اشخاصی را انتخاب کند که از
روی مأخذ قبلی مالیات بگیرند اما
حقیقت اینست که سنگینی بار
مالیاتی باز هم بدوش توده بود. جنگی ها
و روحانیون و دبیران و مستخدمین
ادارات سلطنتی از دادن مالیات سرانه معاف
بودند.

پس از اینکه خسرو اول از نظر
داخلی نتوانست موقعیت خود را تحکیم
کند و با غارت ملت خود ارتش عظیمی
ترتیب دهد دست سوی غارت سایر ملل
دراز کرد و از اموال آنان خزانه خود را
اندود و باج و خراج را از مالک همسایه
بستد و اسیران آنها را ببردگی کشاند و
استادان و استادکاران ماهر را برور از
زادگاه خویش بسوی ایران راند و بکیمک
این همه و آن ثروت بود که توانست شهر
هائی بسازد و آناری بوجود آورد.

در این دوره در حالیکه دهقان
متوسط الحال بقشون جلب شده بود و
امتیازاتی دولت برای او قائل گردیده بود



«گاوها» - کنده کاری روی چوب - کار : بار تلو میچیک
 ادموند. (مقاله هنر ملی لهستان را بخوانید)

که حیانت و اوج با غایت جفا در علوم
 میگردیدند و البته بهر حال با برادری
 جدایی که مشهور است و حتی فداکاری
 بود میگردیدند و این که بهر حالت
 پس از آنکه چنانچه در این مکتب از
 نام نهادند پس در روزهای
 در روزهای



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

در این مکتب که بهر حال با برادری
 جدایی که مشهور است و حتی فداکاری
 بود میگردیدند و این که بهر حالت
 پس از آنکه چنانچه در این مکتب از
 نام نهادند پس در روزهای
 در روزهای

دهقانان بی چیز بصورت سرفهای مفلوک در زمینها زراعتی کار میکردند و اسرای ملل دیگر و مردم نواحی خزر بصورت بردگان در کارهای ساختمانی کار میکردند خسرو اول سعی داشت دولت بزرگی بوجود آورد و برای خود قدرت بی نظیری ایجاد کند او در قسمت اداری استبداد رأی و شخصیت ممتازی بود و باید گفت که در این قسمت موفقیت‌هایی هم کسب کرد اما اوضاعی که پس از او بوجود آمد نشان داد که تا چه پایه بنا می‌گردد که اوضاع متزلزل بوده است بطور کلی اوضاع دوره انوشیروان را اینطور می‌شود خلاصه کرد.

(آ) سرکوسی نهضت مزدک که مدافع قشرهای پایین اجتماع بود و بعزت اینکه بکمک طبقات بالا میخواست مقصود خود را عملی سازد باشکست رو برو شد، غیر از اینهم نمیتوانست بشود.

برای اینکه طبقات محروم بهره صحیح مبارزه مجهز شوند چند قرن تجربه و ترقی ابراهیم تولید و سر انجام پیدایش پرولتاریا لازم بود که دهبری این

طبقات را بعهده گیرد.

(ب) جنبش مزدک با اینکه سرکوب شد در اوضاع اجتماعی ایران تغییراتی ایجاد کرد موقیبت روحانیون و اشراف و نجبارا متزلزل نمود و طبقه میانه حال را رونق بخشید و آنرا در دستگاه حکومتی صاحب مقام ساخت.

(پ) انوشیروان سعی نمود بادر آوردن قشون تحت نفوذ مستقیم خود از قدرت بزرگان و اشراف بکاهد و این امر مستلزم ایجاد رفم مالیاتی گردید که گرچه از نظر ظاهر با سیستم مالیاتی قدیم فرق داشت اما ماهیت آن که فشار براهالی بود فرق نمیکرد.

(ت) - با اینکه کسری موفق با ایجاد دولت مقتدری شد اما چون این قدرت بر دلچ دهقانان بی چیز و محرومیت ملل اسیر نشانهاوه شده بود پس از او متزلزل گردید و ما این موضوع را طی مقالات آئینده که واجع بدوره هرمز پسر انوشیروان و خسرو پرویز میباشد مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوستان «کبوتر صلح»

مجله مادر شهرستانها احتیاج بدوستانی دارد که با هیئت تحریریه مکاتبه منظم داشته باشند. این دوستان که از میان خوانندگان ثابت قدم مجله انتخاب می‌شوند همچنانکه برای ترویج «کبوتر صلح» در شهر خود میکوشند و در فروش آن نظارت می‌کنند نویسنده‌گان مجله را در جمع آوری فولکلور نواحی مختلف ایران یاری می‌دهند. از طرف دیگر وجود این دوستان در شهرستانها و مکاتبه منظم آنان سبب تحکیم ارتباط میان هیئت تحریریه مجله و خوانندگان شهرستانها می‌گردد.

اگر شما برای چنین کاری داوطلب هستید بامدیر مجله مکاتبه کنید تا توضیح بیشتر برای شما بدهد.